

تحلیلی بر مدخلیت حکمرانی شهری شایسته اسلامی در تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محمدعلی فیروزی*

مهیار سجادیان**

چکیده

امروزه حکمرانی شایسته شهری به عنوان پدیده مفیدی که البته ریشه در تفکرات غربی دارد، بر پیکر مدیریت شهری سایه افکنده که در جستجوی هویت گمشده خویش است. این در حالی است که نه تنها دین اسلام دارای قابلیت‌های ارائه مؤلفه‌های حکمرانی شهری شایسته است؛ بلکه حکمرانی شایسته اسلامی از جامعیت بالاتری نسبت به نوع غربی، برای استقرار در شهرهای کشور ایران برخوردار است. بنابراین به علت اهمیت موضوع، این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف کاربردی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا به منظور تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به تحقیق پرداخته است. بر اساس یافته‌های تحقیق، نه تنها دین اسلام دارای قابلیت‌های ارائه مؤلفه‌های حکمرانی شهری شایسته است؛ بلکه از جامعیت بالاتری نسبت به نوع غربی، برای استقرار در شهرهای کشور برخوردار است. ضمن اینکه با تدقیق بر اسناد الگوی پایه پیشرفت شامل مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدبیر مشخص شد که می‌توان بسیاری از مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی شایسته شهری را از این اسناد استخراج کرد؛ هرچند به صورت مستقیم هیچ اشاری به حکمرانی شایسته شهری نشده است. در انتها نیز بر اساس یافته‌های تحقیق، راهکارهایی به منظور تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی

اسلام، حکمرانی شایسته، شهر، الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت

Email: m.alifiroozi@scu.ac.ir

* دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

Email: mahyarsajadian@yahoo.com

** دانشجوی دکترای دانشگاه شهید چمران اهواز

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱/۲۲

تاریخ ارسال: ۹۶/۶/۲۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وهفتم / شماره ۸۷ / تابستان ۱۳۹۷ / صص ۸۷-۱۱۴

جستار گشایی

شهر اثر ماندگار تاریخی و درعین حال واحد جغرافیایی و اجتماعی تکامل پذیر است که با تأثر از بینش ناظر بر ناحیه که توان و سطح کاربرد نیروهای اقتصادی و فنی را روی شهر مشخص می کند و به مقتضای اندیشه های ارزشمند معماران، شهرسازان و همیاری کارشناسان نظام های علمی دیگر و با بهره مندی از عادت های اجتماعی ساکنان شهر و با اراده و تصمیم نظام سیاسی بر پهنه زمین و روی محیط طبیعی شکل می گیرد و در مسیر زمان در فضای جغرافیایی معینی، بر حسب شیوه مبادلات اقتصادی و اجتماعی بر پویایی فضایی، اقتصادی و اجتماعی خود تداوم می بخشد و سرانجام سیمای برونی و فیزیکی خود و حیات انسان هایی را که در بطن خویش دارد، دگرگون می کند. گاه رفاه و بهزیستی را و زمانی نابهنجاری و دلواپسی را بر شهرنشینان عرضه می دارد (فرید، ۱۳۶۸: ز).

بنابراین شهر قبل از اینکه کالبدی فیزیکی و بی جان باشد، محل زیست انسان و تجلی گاه اصول و ارزش های فرهنگی و مورد باور انسان است، تاریخ و جهان بینی سازنده خویش را معرفی می کند و نمایشی از نحوه نگرش انسانی به طبیعت است. شهر درحالی که جلوه گاه هویت اهل خویش است، نشان دهنده تمایل اهالی به هویتی که علاقه دارند به آن شناخته شوند نیز می باشد که این امر بیانگر رابطه اهل آن با یکدیگر است. شهر شیوه زیست ساکنان خویش را بیان می کند و محل تحول عامل های فرهنگی و اجتماعی است (توسلی و بلخاری قهی، ۱۳۹۲: ۲۴۰). در حقیقت هر شهر محوری از تجمع ارزش هایی است که تمدنی را می سازد و در نتیجه تصویر جهان را بر اساس یک جهان بینی به وجود می آورند (زدی و رجبی سناجردی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

در همین چارچوب، دین و از جمله دین اسلام یکی از عناصر فرهنگی و به عنوان پدیده ای اجتماعی - فرهنگی منشأ ایجاد تغییر، تفاوت و تباین در مکان های گوناگون و به ویژه در شهرها از گذشته تاکنون بوده است؛ اگرچه رویکرد به دین و متعلقات آن در جهان معاصر و زندگی انسان امروزی در عمل با بی اعتنایی هایی مواجه شده، اما در عرصه نظری مباحث دینی و اسلامی از مسائل مهم و مورد توجه معاصران است (میرمیران و الیاسی، ۱۳۹۲).

در همین راستا، اسلام به عنوان دینی که هم برخوردار از جهات و آموزه های معرفت بخش در مورد انسان و ارتباطات وجودی اوست و هم مشتمل بر ارائه نظام ارزشی و هنجاری درباره زندگی مطلوب آدمی در حیات فردی و اجتماعی است، ظرفیت آن را دارد که در زمینه مفاهیم کلیدی همچون قدرت، دولت، اقتدار، حاکمیت و مانند آن و نیز مباحث هنجاری و ارزشی

مربوط به سیاست و سیاست‌گذاری؛ حضوری پررنگ و سرنوشت‌ساز داشته باشد (واعظی، ۱۳۸۷).

با این وجود، در سده‌های اخیر روند مدیریت شهری ایران به تقلید از انگاره‌های غربی و پدیده‌های جهانی شدن دچار نوعی انقطاع تاریخی و ناسازگاری نسبت به نوع فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی کشور در زمینه پذیرش پدیده‌های مدیریتی همچون حکمرانی خوب شهری به‌عنوان پدیده‌ای غربی و گیج‌کننده شده است. توضیح آنکه، شهرسازی و به‌تبع آن مدیریت شهری، بعد از اسلام از یک سیر منطقی پیروی می‌کرده است که در نهایت به سبک اصفهان منتج شد که در این سبک از شهرسازی، همبستگی بین شهرسازی و مدیریت شهری منبعت از مذهب تشیع هویدا بود. اما در دوره رضاشاه، سبکی به نام سبک تهران بر شهرسازی کشور مستولی شد که بیشتر بر ایران پیش از اسلام تأکید داشت. در دوران پهلوی دوم به علت استقرار اقتصاد نفتی، رانت حاصله و نیز تأثر از سیاست‌های شرکت‌های چندملیتی و تبعیت از نگرش سرمایه‌داری، گسست از فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی در زمینه شهرسازی و نیز مدیریت شهری به اوج خود رسید.

این در حالی است که نه‌تنها دین اسلام دارای قابلیت ارائه مؤلفه‌های حکمرانی شایسته است؛ به‌گونه‌ای که بتوان از حکمرانی شایسته اسلامی در شهرهای کشور به‌عنوان قابلیت آموزه‌های اسلامی سخن راند؛ بلکه به نظر می‌رسد حکمرانی شایسته اسلامی از جامعیت بالاتری نسبت به نوع غربی، برای استقرار در شهرهای کشور برخوردار باشد. لذا اجمالاً این پژوهش به سبب اهمیت موضوع و به هدف پاسخگویی به دو پرسش زیر و در نهایت ارائه پیشنهادهایی برای تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به تحقیق پرداخت:

- آیا دین اسلام دارای قابلیت‌های ارائه مؤلفه‌های حکمرانی شایسته شهری است؟
- آیا حکمرانی شهری شایسته اسلامی از جامعیت بالاتری نسبت به نوع غربی، برای استقرار در شهرهای ایران برخوردار می‌باشند؟

از مهم‌ترین پژوهش‌ها در حوزه مدیریت از دیدگاه اسلامی و از جمله مدیریت شهری می‌توان به رحمتی (۱۳۸۸)، سیاف‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، ستاری ساربانقلی و ذبیحی (۱۳۸۸)، چاوشی (۱۳۸۸)، بمانیان (۱۳۹۲)، تولایی (۱۳۸۶)، حمیدی‌زاده (۱۳۷۸)، افجه‌ای (۱۳۸۰ و ۱۳۷۷)، تقوی دامغانی (۱۳۷۸)، عسگریان (۱۳۷۰)، قبادی (۱۳۷۸)، مشرف‌جوادی (۱۳۷۸)، نبوی (۱۳۸۰)، نقی‌پور (۱۳۸۱)، مسعودی و میرزایی (۱۳۸۸)، رودگر (۱۳۸۵)، آقاپیروز و همکاران (۱۳۸۸)، مکارم شیرازی (۱۳۶۸)، اختری (۱۳۸۴)، رشیدپور (۱۳۷۰)، مصباح یزدی (۱۳۷۶)، بهارستان (۱۳۸۱ و ۱۳۸۳)، مطهری (۱۳۵۴)، امیری (۱۳۸۶)،

عابدی جعفری (۱۳۷۷)، جلیلی (۱۳۸۹)، مبارک و آذرپیوند (۱۳۸۸)، شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی (۱۳۹۲) اشاره کرد که با توجه به عناوین و مندرجات این تحقیقات که بدنه اصلی و شاکله تحقیقات مدیریت اسلامی را تشکیل می‌دهد، این پژوهش می‌تواند به‌گونه‌ای بدیع محسوب شود. توضیح آنکه، پرداختن به موضوع محوری پژوهش در چارچوب پرسش‌های تحقیق از آن جهت می‌تواند بدیع و دارای نوآوری تلقی شود که در آن با بهره‌گیری از نگرشی سیستمی ضمن آسیب‌شناسی اسناد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نیز شرایط کنونی کشور، معیارهای حکمرانی شایسته شهری اسلامی استخراج شده و پیشنهادهایی در جهت تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه شده است.

۱. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مقام معظم رهبری در تاریخ دوم خرداد سال ۱۳۹۰ در حکمی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تشکیل دادند و رئیس و اعضای شورای عالی آن را منصوب کردند. در حکم آمده است: «با توجه به عزم جدی برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و لزوم استفاده همه‌جانبه از ظرفیت‌های موجود در عرصه‌های علمی (حوزه‌ای و دانشگاهی) در جهت فراهم‌سازی مقدمات تدوین الگو و توسعه گفتمانی و تولید علم در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تشکیل می‌گردد». مقام معظم رهبری در توضیحی از چیستی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌فرمایند: «این الگو، یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور و چشم‌انداز کشور و سیاست‌گذاری‌های کشور؛ یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست‌ساله و ده‌ساله که در آینده تدوین خواهند شد، باید بر اساس این الگو تدوین شوند، سیاست‌گذاری‌هایی که خواهد شد- سیاست‌های کلان کشور- باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد».

پس از ابلاغ حکم مقام معظم رهبری، نخستین جلسه شورای عالی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ تشکیل شد. اساسنامه مرکز نیز یک‌ماه پس از ابلاغ حکم تأسیس مرکز، به تصویب مقام معظم رهبری رسید. در نتیجه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تحت نظر مقام معظم رهبری، نهادی علمی و پژوهشی دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی، اداری و استخدامی است که طبق اساسنامه خود اداره می‌شود. رئیس و اعضای شورای عالی مرکز با حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی برای یک دوره سه‌ساله منصوب می‌شوند. از آن زمان تاکنون شش کنفرانس برگزار شده است که حاصل آن تهیه پیش‌نویسی شامل بخش‌های مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر بوده است.

۲. پیشینه کاربرد واژه حکمرانی شایسته شهری

حکمرانی شایسته شهری، در اواخر دهه ۱۹۸۰ و گذر از رویکرد دولت بزرگ به دولت کوچک ظهور یافت. پس از یک دهه سیاست‌های تعدیل اقتصادی ساختاری در بسیاری از کشورهای آفریقایی، بانک جهانی به این نتیجه رسید که حکمرانی، موضوع اساسی در راهبرد توسعه کشورهای است که عملکردشان ضعیف است. به عبارتی بانک جهانی در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی موضوع محوری توسعه است. پس از آن، سازمان ملل در دومین کنفرانس مربوط به سکونتگاه‌های انسانی در سال ۱۹۹۶ استانبول، شعار خود را «فعالیت جهانی برای حکمرانی شهری خوب» قرار داد و تأکید کرد که شهرهای جهان باید در جهت استقرار حکمرانی شهری قدم بردارند (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸ و عظیمی‌آملی، ۱۳۹۳).

۳. مفهوم حکمرانی شایسته شهری

حکمرانی شهری مجموعه‌ای از افراد، نهادها، بخش عمومی و خصوصی است که امور شهرها را برنامه‌ریزی و اداره می‌کند. در واقع فرایندی مستمر از تطبیق و همسوسازی منافع متضاد و متفاوت افراد و گروه‌هاست (اجزاء شکوهی و همکاران، ۱۳۹۳). حکمرانی شهری، بر اهمیت نحوه مقبولیت، حقانیت و جاری شدن اراده مدیریت جمعی نزد تمامی شهروندان اصرار دارد. مک‌کارنی و همکاران حکمرانی را رابطه بین جامعه مدنی و دولت، بین حکمرانان و حکمرانی‌شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان تعریف کرده‌اند. کوفی‌عنان دبیرکل سابق سازمان ملل متحد نیز، حکمرانی شایسته را تضمین احترام به حقوق انسانی و حاکمیت قانونی، تقویت دموکراسی، ارتقای شفافیت و ظرفیت اداره عمومی تعریف کرده است (حاتمی‌نژاد و شریف‌زاده اقدم، ۱۳۹۴: ۱۰۸). در همین راستا، در نگاره شماره (۱)، ویژگی‌های اصلی حکومت و حکمرانی مقایسه شده است. همان‌گونه که مشخص است، حکومت و حکمرانی تفاوت‌های عمده‌ای در عواملی همچون بازیگران، کارکردها (وظایف)، ساختار، قراردادهای تعامل و توزیع قدرت دارند.

نگاره شماره (۱) - مقایسه ویژگی‌های اصلی حکومت و حکمرانی

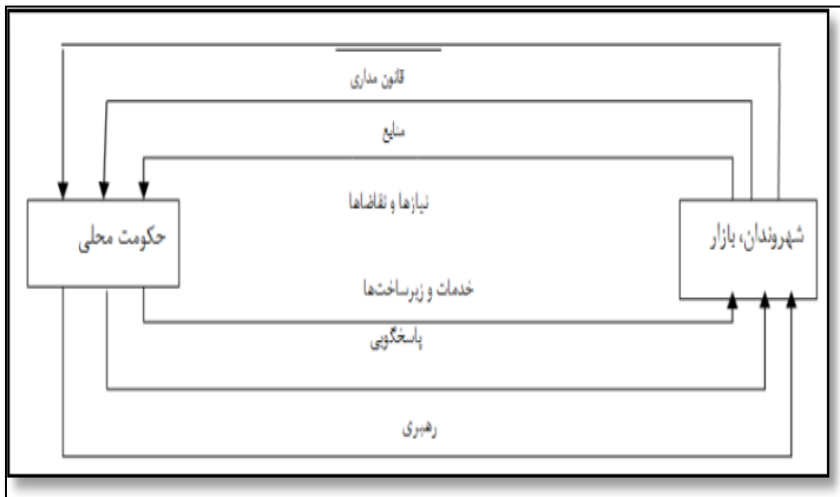
عوامل مقایسه	حکومت	حکمرانی
بازیگران	تعداد بسیار محدود مشارکت‌کنندگان عوامل اجرایی اساساً دولتی	تعداد بسیار زیاد مشارکت‌کنندگان بازیگران بخش خصوصی و عمومی
کارکردها (وظایف)	مشاوره‌ای صورت نمی‌گیرد. هیچ همکاری در صورت‌بندی سیاست‌ها و اجرای آنها صورت نمی‌گیرد.	انجام مشاوره همکاری تا حد امکان در صورت‌بندی و اجرای سیاست‌ها

مرزهای بسیار باز عضویت داوطلبانه (آرادی)	مرزهای بسته عضویت غیرآرادی	ساختار
مشاوره افقی/تحرک درونی توافق بر سر هنجارهای تکنوکراتیک/روابط تعاونی برخوردهای بسیار غیررسمی باز بودن (شفافیت)	اقتدار سلسله‌مراتبی، رهبری متصل از بالا تعامل خصمانه/روانه متضاد برخورد غیررسمی پنهان‌کاری	قراردادهای تعامل
آزادی عمل اندک دولت از جامعه (خودسازمان‌ده/تسلط پراکنده دولت گروه‌های ذی‌نفع، نفوذ پراکنده‌ای در دولت دارند. تعادل و همزیستی بین بازیگران وجود دارد.	آزادی عمل بالای دولت از جامعه (هدایت‌شده)/توسط دولت گروه‌های ذی‌نفع جامعه هیچ نفوذی در دولت ندارد. هیچ تعادل یا همزیستی بین بازیگران وجود ندارد.	توزیع قدرت

(برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۱۹۹)

حکمرانی خوب، در حقیقت یک فرایند افقی میان بازیگران مختلف جامعه مدنی ایجاد می‌کند و طی این فرایند و همچنین بر اساس اصول حکمرانی خوب، به نیازها و تقاضاهای شهروندان و بازار پاسخ داده می‌شود (اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۹). شکل (۱)، ساخت الگوی حکمرانی خوب را به صورت شماتیک نشان می‌دهد.

شکل (۱) - ساخت الگوی حکمرانی خوب



(اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

۴. معیارهای حکمروایی شایسته شهری

معیارهای حکمرانی شایسته را تعدادی از سازمان‌های توسعه و صاحب‌نظران ارائه کرده‌اند که در هر کدام از کشورها، بر یکی از این الگوها تأکید بیشتری شده است. لذا به صورت عملی در هیچ کشوری جامعیتی دیده نمی‌شود (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹: ۲۰):

UNDP: مشارکت، برابری، شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، وفاق‌گرایی، بینش راهبردی اثربخشی و کارایی.

بانک جهانی: حاکمیت قانون، مشروعیت انتخابی، آزادی بیان و فعالیت انجمن‌ها، پاسخ‌گویی و شفافیت، رهبری توسعه‌مدار و اداره باکفایت و کارآمد.

UNCHS: تمرکززدایی منابع و اختیارات، دسترسی برابر به منابع و تصمیم‌گیری‌ها، شفافیت، پاسخ‌گویی، مداخله مدنی و شهروندی، کارایی، بینش راهبردی، توسعه انسانی پایدار، پایداری و امنیت.

جان فریدمن: فراگیری و همه‌شمولی، پاسخگویی عمومی، پاسخ‌دهی، مدیریت خشن و رهبری سیاسی.

بانک جهانی (در سندی دیگر): حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، پرهیز از بی‌ثباتی سیاسی و خشونت، اثربخشی دولت، بار مالی مقررات، حاکمیت قانون، پرهیز از فساد.

منشور هبیتات^۱ سازمان ملل متحد: پایداری، برابری، کارآمدی، شفافیت و پاسخگویی، امنیت، فعالیت‌های مدنی و شهروندی.

برنامه عمران سازمان ملل متحد: مدیریت عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه، مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری.

گروه تحقیق مؤسسه بین‌المللی علوم اداری: درجه مشروعیت، نمایندگی، مسئولیت و کارایی.

دومین کنفرانس مربوط به سکونتگاه‌های انسانی: مشارکت شهروندان، قانونمندی، شفافیت، مسئولیت و پاسخ‌گویی، جهت‌گیری توافقی، عدالت و انصاف، کارایی و اثربخشی بینش راهبردی، پذیرابودن و پاسخ‌گویی.

^۱. HABITAT

۵. الگوهای حکمرانی شهری

حکمرانی شهری را می‌توان در چهار مدل عمومی در قالب الگوهای «مدیریتی»، «شراکت‌گرا»، «طرفدار رشد» و «حکمرانی رفاهی» در نظر گرفت که هر یک ویژگی‌های خاصی دارند (نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹).

نگاره شماره (۲) - ویژگی‌های تعریف‌کننده الگوهای حکمرانی شهری

الگوهای حکمرانی شهری				ویژگی‌های تعریف‌کننده
رفاهی	طرفدار رشد	شراکت‌گرا	مدیریتی	
توزیع مجدد	رشد	توزیعی	کارآیی	اهداف سیاست‌گذاری
ایدئولوژیک	عمل‌گرا	ایدئولوژیک	عمل‌گرا	سبک سیاست‌گذاری
ستیزه‌ای	اجتماعی	ستیزه‌ای	اجتماعی	ماهیت مبادلات سیاسی
محدودکننده	تعاملی	هماهنگ	رقابتی	ماهیت مبادلات عمومی - خصوصی
عمومی	اختصاصی	عمومی	اختصاصی	روابط دولت محلی - شهروندان
دولت	کاسب‌کاران	رهبران مدنی	کارشناسان	وابستگی اصلی
شبکه‌ها	شراکت	مذاکره	قراردادها	ابزارهای اصلی
عدالت	رشد	مشارکت	اثربخشی	معیارهای اصلی ارزیابی

(نوبری و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۳)

۶. مبانی و مؤلفه‌های قدرت و حاکمیت شهری در نظریه‌های پایه

خاستگاه نظری رویکرد حکمرانی شهری دو دیدگاه نئولیبرال و سوسیال‌دموکراسی بوده که در رویکردهای نظری انتخاب عمومی، نخبه‌گرایی، کثرت‌گرایی، ماشین رشد، نظریه رژیم، تحلیل‌های نئومارکسیستی و نظریه نظم در قالب نظریه‌های مطالعات قدرت در اجتماعات محلی و اقتصاد سیاسی انسجام یافته است.

نگاره شماره (۳) - بررسی مقایسه‌ای مبانی و مؤلفه‌های قدرت و

حاکمیت شهری در نظریه‌های پایه

الگو و ساختار پیشنهادی	عنصر اصلی و مؤثر در حاکمیت	پرسش‌ها و فرضیات بنیادین	مفاهیم بنیادین	نظریه‌ها و رویکردها
- الگوی حکومت شهری - الگوی چندحسته‌ای و متفرق - محدوده‌های مدیریتی مستقل و کوچک و متعدد	- افراد - بازار کالاهای عمومی - سازمان‌ها و حکومت‌های محلی	- شهروندان برای استفاده کارآمدتر و ارزان‌تر از کالاهای عمومی عرضه‌شده توسط سازمان‌ها و حکومت‌های محلی، به انتخاب محل و محدوده زندگی و اشتغال خود می‌پردازند.	- خردگرایانه بودن اقدامات فرد - بیشینه‌سازی بهره‌وری افراد و جامعه - بیشینه‌سازی امکان انتخاب برای عموم مردم - افزایش رقابت بین سازمان‌های مدیریت امور عمومی	نظریه انتخاب عمومی

<p>نظریه مطالعات قدرت در اجتماعات محلی</p>	<p>نخبه‌گرایی</p>	<p>- فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت</p>	<p>- چه کسی بر شهر حکومت می‌کند؟ - قدرت و امکان اعمال آن در اختیار نخبگان است.</p>	<p>- نخبگان (صاحبان املاک و مستغلات، رؤسای صنایع و شرکت‌ها، کنترل‌کنندگان اصلی اقتصاد و مالیه).</p>	<p>- الگوی حکومت شهری - الگوی مدیریت یکپارچه شهری و کلان‌شهری با اتکا بر گروه‌های نخبه و قدرتمند.</p>
	<p>کثرت‌گرایی</p>	<p>- فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت</p>	<p>- چه کسی بر شهر حکومت می‌کند؟ - قدرت در بین گروه‌های اجتماعی و حتی گروه‌های محروم پراکنده است و همه آنها امکان اعمال قدرت را دارند.</p>	<p>- تمام گروه‌های اجتماعی. اگرچه برخی بازیگران از فرصت‌ها و مزایای سیستماتیک بیشتری برخوردارند.</p>	<p>- الگوی حکمرانی شهری - الگوی مدیریت یکپارچه شهری با اتکا بر عموم گروه‌های اجتماعی.</p>
	<p>ماشین‌رشد</p>	<p>- فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت - اقتصاد سیاسی مکان - زمین به‌مثابه سرمایه ثابت و منابع رانت.</p>	<p>- چه کسی بر شهر حکومت می‌کند؟ - قدرت شهری و رشد پیرامون منافع مبتنی بر زمین سازمان می‌یابد.</p>	<p>- صاحبان مستغلات و رانت‌خواران - ساخت و سازگران، وکلا، مهندسان، نهادهای مالی، رسانه‌ها، نهادهای دولتی و عمومی.</p>	<p>- الگوی حکومت شهری - الگوی مدیریت یکپارچه شهری با اتکا بر صاحبان مستغلات و بخش خصوصی.</p>
	<p>نظریه رژیم</p>	<p>- ظرفیت عمل جمعی برای اهداف عمومی (رژیم) - پیوندهای درونی حکومت، اقتصاد و بخش عمومی و مردمی.</p>	<p>- چه کسی بر شهر حکومت می‌کند؟ - چگونگی ائتلاف و پیوند گروه‌های رقیب برای نیل به اهداف مشترک در سیاست‌گذاری عمومی.</p>	<p>- حکومت‌گران - صاحبان منافع اقتصادی - گروه‌های مردمی و داوطلبانه.</p>	<p>- الگوی حکمرانی شهری با اتکا بر تمام بازیگران و گروه‌های اجتماعی و اقتصادی.</p>
	<p>تئوری اقتصاد سیاسی</p>	<p>تحلیل‌های نئومارکسیستی</p>	<p>- ساختار سیاسی اقتصاد حاکم - انباشت سرمایه - مبارزه طبقاتی.</p>	<p>- ساختارهای حاکم به‌منظور انباشت سرمایه و حفظ نظم اجتماعی به نفع خودشان، دولت و سازمان‌های محلی را تحت نفوذ خود درمی‌آورند.</p>	<p>- نهادهای غیرمحلی - احزاب غیرحکومتی.</p>

<p>- الگوی خاصی ارائه نمی‌شود. - این دیدگاه اصولاً به توسعه اجتماعات محلی، حکومت‌های محلی و حکمرانی شهری اعتقادی ندارد و آنها را در خدمت حفظ نظم عمومی موجود و انباشت سرمایه می‌داند.</p>	<p>- ساختار اقتصادی و سیاسی حاکم - سازمان‌ها و شرکت‌ها</p>	<p>- رژیم نظم تحت ساختارهای اقتصادی و سیاسی حاکم به بازتولید و پایداری رژیم انباشت و سازگاری دو نظام تولید و مصرف در سطح جهانی می‌پردازد.</p>	<p>- ساختارهای سیاسی و اقتصادی حاکم - رژیم انباشت - رژیم نظم - نقش جدید شهرها در بستر جهانی</p>	<p>نقد به نظم</p>
---	--	---	---	---------------------------

(پرهیزکار و کاظمیان، ۱۳۸۴)

۶-۱. نگرش نئولیبرالی و حکمرانی شایسته شهری

نگرش نئولیبرالی، فرد را مبنای ارزش‌های اخلاقی می‌شمارد و همه افراد را دارای ارزش برابر می‌داند. اصل اساسی آن، خوش‌بینی نسبت به ذات انسان است. از نظر آنها، انسان می‌تواند با کمک خرد و عقل خود بدون نیاز به راهنمایی دیگران پیشرفت کند. از این‌رو، انسان باید تا حد ممکن آزاد باشد. این ایدئولوژی، با اشکال سنتی قدرت ضدیت دارد و از بسط اختیار و انتخاب فرد تا حد ممکن دفاع می‌کند. سیاست اقتصادی نظام‌های نئولیبرال، زمینه را برای رشد بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری متهور به سبک دوران سرمایه‌داری لیبرال فراهم کرده است. از این منظر، بهترین شکل کمک حکومت به اقتصاد این است که بازار را در تعیین سرنوشت خود آزاد بگذارد. اصول اساسی نئولیبرالیسم شامل موارد زیر است (نیک‌نشان و همکاران، ۱۳۹۱):

- قطع هزینه‌های عمومی برای خدمات اجتماعی مانند آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی؛
- خصوصی‌سازی؛
- حذف مفهوم «نفع عمومی» یا «اجتماعی» و جایگزینی آن با مفهوم «مسئولیت فردی».

در نگرش نئولیبرالی ارائه خدمات رفاهی در درجه نخست بر عهده بازار و سپس مؤسسات خیریه و خانواده‌هاست و نقش دولت محدود به نظارت بر عملکرد بازار است و جمعیت فقیر را هدف قرار می‌دهد و بر ارائه خدمات محدود مبتنی است. جمعیت هدف بر اساس آزمون استطاعت مالی تعیین می‌شود و وابستگی بازتوزیع درآمد و میزان کالادزایی کم است (وصالی و امیدی، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

مبانی فکری و نظری نئولیبرالیسم، بر عقاید و نظریه‌های اقتصاددانان آمریکایی فردریک فن‌هایک و میلیتون فریدمن پایه‌ریزی شده است (حاج‌یوسفی، ۱۳۹۴: ۵۴).

۶-۲. نگرش سوسیال دموکراسی و حکمرانی شایسته شهری

دیدگاه دوم، سوسیال دموکراسی یا بازار اجتماعی است. این دیدگاه در پی شناخت و بهره‌گیری از کارایی بازار در شرایطی است که بر استانداردهای عدالت اجتماعی و بهبود اقتصادی درازمدت استوار شده است. این دیدگاه به خوبی به وظایف ایجاد زیرساخت‌های سیاسی و نهادی و توانمندی‌های اجتماعی توجه دارد. این وظایف در مناطق کلان‌شهری عبارت از کارایی سطوح محلی، بهره‌وری، رقابت و برابری اجتماعی است؛ وظایفی که بازار به‌تنهایی قادر به تأمین آنها نیست (Scott, 2001: 12).

سوسیال دموکراسی بر رفاه نهادی مبتنی است و در آن میزان کالایی‌زدایی و بازتوزیع درآمد بسیار بالاست. برنامه‌های رفاهی به صورت عمومی و فراگیر اجرا می‌شوند. در این نگرش، بر مقوله شهروندی و حقوق اجتماعی با هدف مساوات‌طلبی تأکید می‌شود (وصالی و امیری، ۱۳۹۳: ۱۸۶). در این نگرش، به جای تأکید بر نقش محوری دولت در امور اجتماعی و اقتصادی، به موضوع‌های مهمی مانند کارایی و بهره‌وری اقتصادی، دموکراسی مشارکتی، توسعه منطقه‌ای و محلی و تمرکززدایی و اتکا به نیروهای مردمی جامعه مدنی و توجه درخور به محیط‌زیست طبیعی و انسانی و توسعه انسانی و اجتماعی توجه نشان می‌دهند (حاج‌یوسفی، ۱۳۹۴: ۵۵). سوسیال دموکراسی حکمرانی را به مثابه مجموعه‌ای پیچیده از تعامل‌های نهادی و سازمانی در قبال مسائل گسترده فراروی سازگاری اجتماعی- اقتصادی در روند پیدایش سیستم جهانی- محلی می‌بیند. در این دیدگاه نهادگرایانه‌تر، موضوع حیاتی ایجاد هماهنگی فراسوی مقیاس‌های جغرافیایی است (Scott, 2001).

در صورتی که در نگرش نئولیبرالیستی، حاکمیت شهری در پی جایگزینی رقابت به جای تقابل بین منافع بخش خصوصی و عمومی برای حل مسائل محلی با یک رویکرد فن‌سالارانه است. در این رویکرد، هر آنچه برای بنگاه‌های اقتصادی محلی خوب است، برای کل منطقه شهری خوب است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۶). این نگرش متضمن درهم‌آمیختگی بخش خصوصی و عمومی در یک شراکت کم‌رنگ و سست است (پرهیزکار و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۳).

روش‌شناسی تحقیق. در این پژوهش از روشی توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و تحلیل محتوا بهره گرفته شده است. در این راستا، در ابتدا بخش‌های پنج‌گانه پیش‌نویس اولیه سند الگوی پایه پیشرفت، شامل پیش‌نویس بخش‌های مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر در چارچوب نگرش به مدیریت شهری آسیب‌شناسی شده است که در نهایت آسیب «عدم توجه به حکمرانی شایسته از دیدگاه اسلامی» مورد شناسایی قرار گرفت.

سپس در چارچوب روش تحلیل محتوا و ذیل گزاره «مدخلیت حکمروایی شهری شایسته اسلامی در تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»؛ به ترتیب فرایندهای: (۱) تعیین تکلیف محتوای آشکار و پنهان (تلفیقی از آشکار و پنهان با تفاسیری در عمق)؛ (۲) واحد تحلیل (شهرهای کشور)؛ (۳) واحد معنا (حکمرانی شهری، حکمروایی شهری، مدیریت شهری) تعیین تکلیف و اجرا گردید و سپس ساده‌سازی، تلخیص و فشرده‌سازی اجرا شد. در ادامه نیز منطقه‌های محتوایی در ارتباط با حکمرانی شایسته اسلامی در اسناد مشخص و رمزگذاری شد. در نهایت نیز در مرحله تم، مضامین و معانی اساسی با هم مرتبط و جهت ارائه با هم مرتبط گردید.

یافته‌های پژوهش. «شهر اسلامی» شهری است که توسط مؤمنان و با توجه به جهان‌بینی توحیدی آن ساخته می‌شود و در آن به مضامین جنبه‌های کالبدی (ارتباط اسلامی با عالم) و جنبه‌های رفتاری (اخلاق و رفتار اسلامی)، در جهت برآوردن نیازهای معنوی، جسمی و روحی مردم توجه ویژه می‌شود (سجادزاده و موسوی، ۱۳۹۳: ۶). شهر اسلامی جایی است که در آن احکام اسلامی جاری است. عالمان دین بر اساس نوع حکومتی که بر آن شهر سایه افکنده است، آن را شهری می‌دانند که امت اسلامی و حکومت حقه در آن وجود دارد. در الگوی شهر اسلامی، عامل مسلط دین اسلام است و به‌طور حتم تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این عامل، نظام و هویت می‌یابند. شهر اسلامی، قبل از هر چیز یک قلعه ایمان است و از نظر سیاسی و قانونی، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این‌رو، نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی-اقتصادی حکومت‌های مستقر در آن شهر اولویت دارد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۴۰). شهر اسلامی، شهری است که بر اساس مبانی و آموزه‌های مطابقی یا تضمینی و التزامی قرآن و روایات صحیح بنا شده باشد (شکرانی، ۱۳۸۷: ۲۳۶ و صفایی‌پور و سجادیان، ۱۳۹۴).

بابائی سالانفوج و همکاران به نقل از *نقی‌زاده* (۱۳۹۰)، *نوحی* (۱۳۸۸)، *علی‌آبادی* (۱۳۸۲)، *دانش* (۱۳۸۹)، *اردلان و بختیار* (۱۳۸۰) و *احمدی دیسفانی و علی‌آبادی* (۱۳۹۰) می‌نگارد؛ چون تفکر اسلامی انسان را به‌عنوان جانشین خداوند تبارک و تعالی، بر روی زمین معرفی می‌کند، اصول حاکم بر اعمال و آثار انسانی باید رنگ و صبغه اصولی را داشته باشند که بر افعال الهی حاکم هستند. برخی از بارزترین صفات الهی که باید بر فرایند طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت محیط شهری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های فعل انسان حاکم باشند، عبارتند از: وحدت، تعادل، زیبایی، نظم، هماهنگی، توازن، اندازه، حد، هدایت، سلسله‌مراتب، تسبیح، حساب، حق بودن، کرم، احسان، عدم مشغولیت به بطالت و بازی. به نقل از وی، در

جمع‌بندی آثار پژوهشگرانی که این رویکرد را در آثار خویش برگزیده‌اند، می‌توان مؤلفه‌های بندگی، امنیت، جاودانگی، عدالت، به هم پیوستگی از درون، تغییر مداوم و خلقی جدید، جمع‌گرایی، ارتباط بین اجزا و اجزا با کل، توجه به طبیعت و انسجام را به‌عنوان اجزای مفهوم فلسفه ساخت شهر اسلامی عرضه کرد.

در همین راستا، مختاری ملک‌آبادی (۱۳۹۲)، به نقل از نقی‌زاده ویژگی‌های شهر اسلامی را شامل: شهر تجلی توحید، شهر عبودیت و عبادت، شهر تقوی، شهر هدایت، شهر ذکر و تفکر، شهر عدالت، شهر اصلاح، شهر شکر، شهر امنیت و شهر میانه‌روی می‌داند. مؤیدی و دانش‌پور (۱۳۹۲)، شش مؤلفه «عبادت و توحید»، «حرمت و امنیت»، «حیات و زندگی»، «عمران، آبادی و پاکیزگی»، «کسب‌وکار و روزی حلال» و «تفکر، اندیشه و آزادی» را به‌عنوان مؤلفه‌های سازنده شهر اسلامی معرفی می‌کنند.

ارزشمندترین پایه‌های معماری در دوره اسلامی را به نقل از نقره‌کار (۱۳۸۷) می‌توان «اصل عدالت محوری»، «اصل سیر از کثرت به وحدت»، «اصل سیر از ظاهر به باطن» و «اصل رده‌بندی اهداف کمی و کیفی» دانست.

مهم‌ترین خصلت‌های یک شهر اسلامی که بر محور اساسی دستگاه‌های فکری و فلسفه سیاسی اسلام است، عبارتند از (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۲ و خسروی، ۱۳۹۰):

- ۱) اصل خدامحوری و حاکمیت خداوند (اصل حاکمیت قانون الهی)؛
- ۲) اصل استقلال و تساوی مدنی؛
- ۳) حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و برابری در مقابل قانون؛
- ۴) برقراری عدالت، برابری و مساوات؛
- ۵) تعریف و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس هنجارها و الگوهای دینی؛
- ۶) قاعده تعهد و مسئولیت افراد؛
- ۷) آزادی (عقیده، بیان، مخالفان، اجتماع و آزادی انتقاد)؛
- ۸) قانون‌گرایی؛
- ۹) اصل اخوت، برادری، گذشت، ایثار و حس همدردی؛
- ۱۰) نظم؛
- ۱۱) برقراری قاعده تعاون، همکاری و مشارکت همگانی؛
- ۱۲) اصل مشورت و شورایی بودن امور؛
- ۱۳) اصل متقابل بودن حقوق و احترام به حقوق یکدیگر؛
- ۱۴) اعتماد و حسن نیت نسبت به یکدیگر؛

۱۵) برقراری امنیت (جانی، مالی، شخصیتی و در حوزه خصوصی)؛

۱۶) وفای به عهد؛

۱۷) توسعه اقتصادی و اجتماعی؛

۱۸) برپایی و حاکمیت علائم و نشانه‌های دین.

همچنین در دیدگاه‌های اسلامی نیازهای مشترک انسانی نیز، پایه و اساس یک شهر اسلامی است. شهر اسلامی، شهری است که در درجه نخست نیازهای اساسی انسان را تأمین کند؛ به نحوی که انسان از سکونت در آن شهر احساس رضایت داشته باشد (متقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۴۸).

۷. حکمرانی شایسته شهری از دیدگاه پیامبر اکرم (ص)

بر پایه تحقق بخشیدن به این اهداف، اصول و چشم‌اندازها است که پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه توسط رسول گرامی اسلام، اصل و اساس نظریه‌های سیاسی و مدیریتی اسلام بنیان نهاده و در عمل و گفتار توسط ایشان تا حد ممکن و با توجه به ظرفیت حاکم بر آن زمان تبیین شد (چاوشی، ۱۳۸۸: ۴۵).

در همین راستا، پیامبر اسلام (ص) با هجرت به مدینه، فصل نوینی در نظام سیاسی- اجتماعی مسلمانان گشود و در این زمینه به وضع و تدوین قانونی جامع پرداخت. این اقدام را در طلیعه هجرت به مدینه می‌توان دلیل بر اهتمام آن حضرت نسبت به تشکیل جامعه مدنی دانست که هجرت زمینه‌ساز آن بود. *صبحی صالح* در پژوهشی با عنوان «کتب نوشته شده در عهد پیامبر» به این مطلب تصریح می‌کند که پیامبر اسلام (ص) در سال اول هجرت به نوشتن صحیفه‌ای فرمان داد که شبیه‌ترین چیز به قانون اساسی دولتی بود که رسول خدا در آن حقوق مهاجرین، انصار، یهود و قوم عرب در مدینه را تدوین کرد. همچنین از ادامه سخن او چنین برمی‌آید که این کتاب نزد صحابه تواتر داشته است (عبداله زاده آرانی، ۱۳۸۲: ۶۲). همچنین به نقل از ستاری ساربانقلی و ذبیحی از عملکردهای پیامبر می‌توان رئوسی را برداشت کرد که در نگاره زیر به آن اشاره می‌شود.

نگاره شماره (۴) - مهم‌ترین رئوس عملکردهای کلان پیامبر (ص) و

تفسیر آن در راستای مدیریت شهری کنونی

ردیف	عملکرد	تفسیر
۱	تغییر نام شهر یرب به مدینه	تغییر ظاهر در راستای باطن
۲	تغییر مفهوم یرب به مدینه	- تغییر و تحول مدیریت قبیله‌ای به مدیریت شهری - ایجاد مفهوم و احساس شهروندی
۳	مشاوره در مدیریت شهر	- مدیریت مشارکتی

		- برنامه‌ریزی مشارکتی
۴	همبستگی نهادها، قومیت‌ها و طایفه‌های مختلف شهری در مدیریت شهر مدینه	مدیریت یکپارچه
۵	پیدایش تعلق اجتماعی در محیط شهری مدینه	بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در احساس تعلق و ماندگاری در مکان
۶	اهمیت ویژه به شهرنشینی و اهمیت شهر در قبال کوچ‌نشینی و بیابان‌گردی	تقویت روحیه و احساس فرهنگ مدنی
۷	احیای موقعیت و نقش اجتماعی زنان در مدیریت شهری	عدالت جنسیتی
۸	مدیریت شهری در راستای خلق مفهوم امت اسلامی	انسجام اجتماعی
۹	بهره‌گیری از موقعیت‌های اقتصادی برای تداوم و تحکیم مدیریت شهری	پایداری درآمدهای مدیریت شهری
۱۰	توجه به فضای عرصه‌های اقتصادی در مدیریت شهری	مدیریت فضایی اقتصاد شهری
۱۱	جوان‌گرایی در حیطه مدیریت شهری	مدیریت منابع انسانی
۱۲	ثبت آمار و توجه به واقعیات موجود در مدیریت شهری	مدیریت اطلاعات
۱۳	ایجاد روحیه تعاون و همکاری در تمامی نیروهای انسانی سطوح شهری	بهره‌گیری از روحیه مشارکت در مدیریت منابع انسانی به‌منظور افزایش کارایی و اثربخشی
۱۴	تداوم مدیریت فضاهای شهری با سنت وقف	پویایی فضاهای شهری با بهره‌گیری از روش‌های پایدار اقتصادی
۱۵	مسجد پیامبر فضای چند کاربردی و مرکزیت شهری	- واردکردن معنویت در مدیریت شهری - بهره‌گیری با حداکثر راندمان از فضاها
۱۶	مدیریت شهری امور مربوط به بهداشت و فضاهای بهداشتی	- توجه به بعد بهداشتی مدیریت شهری - نگرشی نظام‌مند به شهر و داشتن مدیریت شهری
۱۷	مدیریت شهری پیامبر و شیوه‌های گذر از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی مدینه	- گذر از شهرنشینی به شهرگرایی
۱۸	هدایت مدیریت شهری در راستای توسعه فضای سبز	- اهمیت به محیط‌زیست شهری
۱۹	مدیریت شهری در راستای عمران و آبادی زمین	- مدیریت عمران شهری
۲۰	مدیریت شهری در ساماندهی به بی‌خانمان‌ها و مهاجرین فاقد قدرت مالی مناسب و رسیدگی به محرومان	- مدیریت اجتماعی و برقراری عدالت اجتماعی در شهر
۲۱	مدیریت شهری دانش‌محور و تقویت نهادهای آموزشی در شهر پیامبر	- اهمیت به فعالیت‌های دانش‌بنیان در شهر - عدالت آموزشی در شهر

(نگارندگان)

بنابراین روشن است که پیامبر دارای اصول مدیریت و به عبارتی حکمرانی شهری بوده است؛ چراکه شواهد تاریخی نشان می‌دهد این نوع از حکمرانی علاوه‌بر تحول ابعاد حیات معنوی شهروندان، حیات کالبدی و مادی شهروندان مدینه را نیز متحول کرد.

۸. حکمرانی شایسته شهری از دیدگاه امام علی(ع)

مؤلفه‌های مدیریتی شهر اسلامی در کلام امیرالمؤمنین علی(ع) را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد (بابائی سالانقوج، ۱۳۹۳):

- توجه به آبادانی شهر (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)؛
- توجه به محیط‌زیست (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷)؛

- برقراری عدل (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)؛
- مشورت (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)؛
- وحدت و همگرایی (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۸)؛
- سکونت در شهر بزرگ (نهج‌البلاغه، نامه ۶۹).

در این راستا، می‌توان شاخص‌های حکمرانی در انطباق با دیدگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه را بدین‌صورت خلاصه کرد (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۲): پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد، توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، توجه به معیشت مردم، شایستگی کارگزاران و ضرورت مشورت در حکومت.

امام علی(ع) برای والیان برنامه‌های روشن ترسیم کرد و شروطی مشخص را بیان نمود که با اجرای آنها، امور شهروندان سامان می‌گیرد و عوامل توسعه محقق می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از (سبحانی، ۱۳۹۱: ۳۶۶): فراهم‌آوردن زمینه همبستگی اجتماعی و تحقق مشارکت مردمی؛ برقراری امنیت و نظم و پرداختن به فعالیت‌های حیاتی.

۹. اصول موضوعه مدیریت شهری اسلامی در چارچوب حکمرانی شهری اسلامی

به دنبال گسترش حکومت اسلامی در زمان خلفای راشدین، سازمان‌ها و تشکیلات وسیع‌تری به وجود آمد که قطعاً بر نوع مدیریت این تشکیلات تأثیراتی داشت. دوران پس از آن چنان درخشان است که هر جا سخن از تاریخچه نظریه‌های سازمان و مدیریت به میان می‌آید، نام نبردن از اندیشمندانی چون *ابویوسف* (کتاب عوارض زمین در ۷۷۰ میلادی)، *المواردی* (کتاب قوانین دولتی در ۱۰۵۸ میلادی)، *غزالی* (کتاب احیای علوم‌الدین در ۱۰۹۳ میلادی)، *ابن‌خلدون* و غیره باعث ناقص ماندن این تاریخچه است.

در نگرش اسلامی، مدیریت نوعی ایدئولوژی است؛ یعنی نوعی از بایدهاست و بین ایدئولوژی و جهان‌بینی ارتباط وجود دارد. از آنجا که ایدئولوژی اسلامی یعنی مدیریت فرماندهی اسلامی است، قهراً جهان‌بینی هم باید اسلامی باشد و در همین راستا، اهداف مدیریت اسلامی همچون آگاهی‌بخشی به انسان‌ها، تربیت معنوی و احیای ارزش‌های اخلاقی، اقامه قسط و عدل به‌صورت خودجوش و برخاسته از متن جامعه و آزادی انسان‌ها از زنجیر از حکومت اسلامی جدا نیست (رحمتی، ۱۳۸۸).

بر همین مبنا، می‌توان اصول موضوعه مدیریت شهری اسلامی در چارچوب حکمرانی شهری اسلامی در خاستگاه مکتب، جامعه، انسان و نیز اصول متعارفه در مدیریت اسلامی را با شرحی که در نگاره (۵) آمده است، برشمرد:

نگاره شماره (۵) - اصول موضوعه مدیریت شهری اسلامی در چارچوب حکمرانی

شهری اسلامی

توحید	در خاستگاه مکتب	
خدامحوری		
حق جویی		
عدالت‌محوری (اجتماعی، اقتصادی و غیره)		
وحی، قرآن، سنت، عقل، اجماع به‌عنوان منابع حقایق		
تأکید بر ارزش‌ها و فضایل اخلاقی		
تأکید بر اصل حکمت		
اصل هدایت و رهبری		
مشارکت‌پذیری همه شهروندان (انتقاد و اصل امر به معروف و نهی از منکر)		
اصل ثبات و پایداری در مواضع حق مبتنی بر اصول توحید و خدامحوری منبعث از حقایق اسلامی در وحی، قرآن، سنت، عقل و اجماع		
حقوق متقابل شهروندان و مدیریت شهری	در خاستگاه جامعه	اصول موضوعه
مسئولیت‌پذیری شهروندان و مدیریت شهری		
پاسخ‌گویی مدیریت شهری (مردمی‌بودن)		
احساس عمیق دینی خدمت به شهروندان		
برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی		
تأکید بر انسان اجتماعی		
ایجاد فرصت رشد برای شهروندان		
مدیریت فرهنگی اجتماع شهری		
فرهنگ‌پذیری شهروندان و مدیریت شهری		
تأکید بر اصالت فردی شهروندان و نیز اجتماع شهری و افزایش تعامل میان آنها		
تلاش مدیریت شهری در رشد تمامی ابعاد وجودی انسان (نگرش نظام‌مند به مدیریت شهری) در مدیریت منابع انسانی؛ انتظار مدیریت شهری با قدرت و توانایی افراد تناسب داشته باشد.	در خاستگاه انسان	
تناسب برنامه مدیریت شهری با اصل خدامحوری انسان		
تناسب مسئولیت‌ها با اختیارات و آزادی‌ها		
سوق‌دادن انسان‌ها در برنامه‌های مدیریت شهری به سمت کمال الهی (اصل آونگی انسان)		
حقوق انسان‌ها در سازمان برابر، اما هرگز توانایی‌های آنها یکسان نیست (اصل برابری و نابرابری)		
راه رضایت الهی تأمین رضایت شهروندان است		
برقراری و حفظ نظم سازمانی	در مدیریت اسلامی	اصول متعارفه
تسلط نگرش نظام‌مند		
تأکید بر منزه بودن سازمانی		
اعتماد به نفس، قاطعیت و صراحت		
آینده‌نگری در مدیریت		

(نگارندگان)

در ارتباط با محدوده اختیارات دولت اسلامی، در اصل و مبنا در حرکت و فعالیت انسان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی، این است که از روی اختیار و آزادی باشد و تنها عاملی که این آزادی را محدود می‌کند، رعایت مصالح مادی و معنوی جامعه است. فرد تا وقتی آزاد است که به مصالح جامعه آسیب و زیان نرساند. بر همین اساس، اساس همه دستورها و احکام اسلامی، مبتنی بر اصل آزادی و اختیار انسان است. این مبنا تأثیر مستقیم در محدوده اختیارات دولت اسلامی و حوزه آزادی اقتصادی دارد. بر همین اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر آموزه‌های اسلامی، آزادی اقتصادی تا آنجا که دیگر ارزش‌ها و مصالح اجتماعی را تهدید نکند، به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است (آقانظری، ۱۳۹۰: ۱۸).

در این راستا، آزادی اقتصادی در اسلام، در چارچوب خاصی از ارزش‌ها، توصیه‌ها و مقررات پذیرفته شده است. دولت اسلامی موظف است این آزادی را حفظ، حراست و حمایت کند و در عین حال مانع سوءاستفاده افراد از این آزادی‌ها شود. بدین‌منظور، حکومت اسلامی حق ارشاد، نظارت و کنترل و در صورت لزوم حق مداخله و ایجاد محدودیت‌های لازم را دارد و این حق از باب ولایت حاکم بر جامعه اسلامی است که باید سلامت روابط اقتصادی و صحت جهت‌گیری‌های اقتصادی را زیر نظر داشته و جلوی کج‌روی‌ها و انحرافات را از باب احکام اولی یا ثانوی بگیرد (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

۱۰. معیارهای حکمروایی شایسته اسلامی

بنا بر یافته‌های این پژوهش، دین اسلام از جامعیت بی‌نظیری در ارائه معیارهای حکمرانی خوب شهری از جمله در ارتباط با حکمرانی خوب شهری برای ایران اسلامی در قالب منسجم و نظام‌مند و مبتنی بر اصول خدامحوری و حاکمیت خداوند، استقلال و تساوی مدنی، اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش و برابری در مقابل قانون، اصل برقراری عدالت، برابری و مساوات، اصل تعریف و تنظیم روابط اجتماعی بر اساس هنجارها و الگوهای دینی، قاعده تعهد و مسئولیت افراد، اصل آزادی (عقیده، بیان، مخالفان، اجتماع و آزادی انتقاد)، اصل قانون‌گرایی، اصل اخوت، برادری، گذشت، ایثار و حس همدردی، اصل نظم، قاعده تعاون، همکاری و مشارکت همگانی، اصل مشاورت و شورایی‌بودن امور، اصل متقابل‌بودن حقوق و احترام به حقوق یکدیگر، اصل اعتماد و حسن نیت نسبت به یکدیگر، اصل برقراری امنیت (جانی، مالی، شخصیتی در حوزه خصوصی)، اصل وفای به عهد، اصل توسعه اقتصادی و اجتماعی، اصل برپایی و حاکمیت علائم و نشانه‌های دین و غیره برخوردار است.

در اسلام حکمرانی خوب شامل مشارکت شهروندی، برابری، شفافیت، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه، تأکید بر کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، عدالت و

انصاف، بینش راهبردی، پرهیز از فساد، رهبری سیاسی فراگیر و همه‌شمول، امنیت، آزادی بیان، توجه به آبادانی شهر، توجه به محیط‌زیست، وحدت و همگرایی، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کیفیت قوانین، توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، توجه به معیشت مردم، شایستگی کارگزاران، ایجاد احساس شهروندی، مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت یکپارچه، بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، عدالت جنسیتی، انسجام اجتماعی، پایداری و غیره می‌شود.

۱۱. آسیب‌شناسی حکمرانی شهری مورد توجه کنونی در کشور و در اسناد الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی

به ساختار نظریه‌های حکمرانی کنونی متأثر از پارادایم اثبات‌گرایی و کارکردگرایی با نگاه فایده‌محور به پدیده‌های اجتماعی و تکیه بیش‌ازحد بر رویکرد اقتصادی بازارمحور سرمایه‌داری انتقادات جدی وارد است. در همین راستا، به دو دلیل نتیجه بهره‌گیری از حکمرانی مبتنی بر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی غربی با تردید مواجه شده است:

- نخست آنکه، حکمرانی خوب الگویی تجویزی و راه‌حلی برون‌متنی است که با توجه به مقتضیات فرهنگی غرب شکل گرفته و از این‌رو، موفقیت آن در فرهنگ‌های دیگر مورد تردید است؛ زیرا جوامع در به‌کارگیری نظریه‌هایی که در متن‌های فرهنگی خودشان ایجاد شده است نیز با مشکل مواجه هستند، چه رسد به اینکه بخواهند این نظریه‌ها را در سایر فرهنگ‌ها پیاده کنند.
- در اغلب کشورهای در حال توسعه تصور بر این است که حکمرانی خوب همان الگوی سرمایه‌داری در لباسی جدید بوده و هدف آن، تحمیل تفکر سرمایه‌داری بر کشورهای در حال توسعه است. بنابراین در استفاده از حکمرانی خوب برای تحقق آرمان‌های توسعه پایدار و تعهد به اجرای آن در کشورهای مختلف نیز باید به دیده تردید نگریست (زاهدی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱).

این در حالی است که در جهان‌بینی اسلامی، جامعه برخلاف جوامع غرب که متکی بر اصل انسان‌محوری است؛ بر اصل خدامحوری و حاکمیت خداوند (اصل حاکمیت قانون الهی) مبتنی است که به علت بهره‌گیری و اعتقاد به وحی، دارای نگرشی فراسیستمی و چندبعدی بوده، به‌علاوه حکمرانی شایسته اسلامی در کنار معرفت فلسفی، معرفت علمی و معرفت پارادایمی دارای معرفت الگویی بوده و بر پایه نظام فلسفی، نظام انسان‌شناسی، نظام ارزشی، نظام مکتبی و نظام روش‌شناسی است که این زمینه‌ها به علت قلت زمان طرح حکمرانی در غرب و نیز دیدگاه انسان‌محوری آنها و عدم استفاده از ظرفیت‌های علوم الهی وجود ندارد.

نظام فلسفی اسلام، به‌ویژه حکمت متعالیه به سبب غنای معرفتی و عقلانی دربر دارنده مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی و دیگر فلسفه‌های مضاف به حقایق است. البته باید تلاش شود تا سایر فلسفه‌های مضاف به حقایق، مانند فلسفه جامعه و فلسفه فناوری با رویکرد عقلانیت اسلامی تحقق و تدوین شوند. نظام انسان‌شناسی اسلام در دو ساحت به معرفی انسان عام و انسان خاص (انسان سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی، اجتماعی) در اسلام می‌پردازد. در همین چارچوب، نظام ارزشی اسلام با کمک فقها و علمای اخلاق با استفاده از روش اجتهادی و بهره‌گیری از قرآن، سنت و عقل به‌صورت حداکثری در عرصه رفتاری، اجتماعی و مدیریتی در طول تاریخ اسلام پاسخ داده شده است. بنابراین در نظام مکتبی، اصول حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی که از آن به مکتب اجتماعی، مکتب سیاسی، مکتب تربیتی و مکتب اقتصادی تعبیر می‌شود، انسجام‌یافته است. در انتها نیز از روش‌شناسی حکمی-اجتهادی استفاده می‌شود.

بنابراین با توجه به جمیع شواهد می‌توان نتیجه گرفت که نه‌تنها دین اسلام بر اساس آموزه‌های پایه‌ای و نیز تاریخیش دارای قابلیت‌های ارائه مؤلفه‌های حکمرانی است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان از حکمرانی اسلامی شایسته شهری سخن راند، بلکه این حکمرانی شهری شایسته از جامعیت بیشتری نسبت به نوع غربی آن به‌منظور استقرار در شهرهای کشور ایران برخوردار است. در ضمن نمی‌توان از چالش‌های استقرار حکمرانی شایسته اسلامی در شهرهای کنونی ایران به‌راحتی گذشت؛ چالش‌هایی که اهم آن عبارتند از:

(۱) در حالت کلی، به نقل از مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، اگر پیش از انقلاب اسلامی «تقابل و تعارض الگوهای سنت‌گرا و نوگرا» بر تحولات توسعه شهری تأثیر کلان و اصلی را می‌گذاشته، پس از انقلاب اسلامی با فربه و گسترده شدن این دو جناح فکری، این تقابل پیچیده‌تر شده است. به شکلی که نسل اول الگوهای غربی (طرح‌های جامع) در مقابل نسل دوم الگوهای غربی (راهبردی و ساختاری الگو شهر جهانی) و نیز حاکمیت در مقابل حکمرانی قرار گرفته است. در جبهه مقابل نیز جریان سنت‌گرا و فرهنگ‌گرا که پیش‌تر بی‌الگو بود، با الگوی شهر اسلامی- ایرانی به مضاف اندیشه‌های مقابل خود می‌رود؛

(۲) عدم اتفاق نظر بر خلأ هویت در شهرهای کشور؛

(۳) حاکمیت انگاره‌های غربی بر مباحث حکمرانی شایسته شهری در کشور؛

(۴) شاهد آنکه بر مبنای یافته تحقیق مبتنی بر پژوهش‌های اینترنتی، اگرچه تعداد قابل توجهی کتاب و مقاله در ارتباط با مدیریت اسلامی نگاشته شده است، اما تنها

تعداد انگشت‌شماری به صورت عملیاتی و نیز تخصصی به مباحث حکمرانی شایسته از دیدگاه اسلام پرداخته‌اند.

(۵) این در حالی است که سیلی از مشکلات در حوزه مدیریت شهری، از جمله تکیه بر ساختارها، نهادهای متمرکز، غیردموکراتیک و بی‌توجهی به نهادهای عمومی و مدنی، کسب درآمد ناپایدار و رانتی برای تأمین خدمات شهری، مدیریت و برنامه‌ریزی از بالا به پایین به جای مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا، کوتاهی عمر دوران مدیریت مدیران شهری، بی‌مسئولیتی، بی‌برنامگی و تأکید بر نگرش بخشی به جای نگرش نظام‌مند، تکیه بر پروژه‌محوری به جای توسعه‌محوری، تأکید بر جنبه‌های رشد شهری به جای توسعه شهری، تکیه بر فردمحوری به جای برنامه‌محوری، چندپارگی در مدیریت و تصمیم‌گیری، عدم شفافیت و پاسخ‌گویی (عدم حساسی و اطلاع‌رسانی)، بی‌توجهی به آموزش شهروندان و مدیران و کارکنان نهادهای خدمات‌رسان شهری و غیره را موجب شده است؛ اصولاً در عمل انرژی، توجه، تمرکز، اتفاق نظر و عزم ملی بر استخراج، تدوین، تبیین، ارائه، استقرار، ارزیابی و اصلاح حکمرانی اسلامی شایسته شهری در شهرهای کشور وجود نداشته است.

در این راستا، قابل‌ذکر است که هم‌اکنون در اسناد پیش‌نویس الگوی پایه پیشرفت شامل مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدابیر در سند پیش‌نویس مبانی مشتمل بر خداشناسی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی، دین‌شناختی و برابند مبانی پایه در ارتباط با موضوع پژوهش آمده است: «عمده‌ترین ویژگی‌های جامعه مطلوب اسلامی عبارت است از جامعه‌ای دارای پیشرفت همه‌جانبه، با محتوای (۱) توحیدی، (۲) اخلاقی، (۳) عقل‌گرای شریعت‌محور و قانون‌گرا، (۴) دارای همبستگی اجتماعی، (۵) استحکام و اقتدار، (۶) سلسله‌مراتب و تقسیم کار اجتماعی مبتنی بر شایستگی (ایمانی، اخلاقی، دانایی، توانایی)، (۷) رفاه و آسایش، (۸) رشد و توسعه سرمایه‌های اجتماعی از جمله اعتماد و امنیت همه‌جانبه و فراگیر، (۹) آزادی در سرمایه‌ایمان به خدا و التزام به فرامین او و (۱۰) کمال‌جویی و فضیلت‌خواهی».

در پیش‌نویس سند نظام آرمان‌ها آمده است: «مبنایی‌ترین ارزش آرمانی انسان نیل به خلافت الهی است. ارزش‌های زندگی انسانی ذیل این ارزش عبارت است از: ایمان به غیب و نزدیکی به خدا، سلامت جسمی و روحی، پذیرش رهبری اسلامی، مدارا و همزیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقاومت در برابر دشمنان و بهره‌برداری عادلانه از

طبیعت. ارزش‌های آرمانی اجتماعی پیشرفت بر مبنای ارزش‌های یاد شده عبارت است از: عقلانیت، ایمان، آزادی، قانون‌مداری، رهبری اسلامی، عدالت، توازن اجتماعی، تعاون، مسئولیت‌پذیری، انضباط، صداقت مدنی، نیل به کفاف، خودکفایی و عدالت اقتصادی». در پیش‌نویس اسناد رسالت، افق و تدابیر نیز می‌توان مؤلفه‌های دیگری را در راستای استقرار حکمرانی شایسته اسلامی در شهرهای کشور استخراج کرد، اما به صورت مستقیم هیچ اشاره‌ای به حکمرانی شایسته شهری نشده است.

فرجام

شهر اسلامی، شهری است که در آن شهروندان، متخلق به آموزه‌های اسلامی هستند. این مؤمنان، به لحاظ جنبه‌های رفتاری، دارای اخلاق و رفتار اسلامی بوده و کالبد شهر نیز متأثر از دو عامل بالا، بسترساز استقرار یک قلعه ایمان می‌شود. در چنین شهری؛ نیازهای معنوی، جسمی و روحی مشروع شهروندان در چارچوب شریعت اسلام مورد نظر بوده و تمام شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی، قضایی و قانون‌گذاری بر اساس عامل اسلام، نظام و هویت می‌یابد. بنابراین، به تبع موارد برشمرده شده، مدیریت اسلامی سراسر منبعث از نگرش اسلامی بوده و بر یک نگرش نظام‌مند استوار است.

بر مبنای آموزه‌های پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)، در چنین شهری، در جهت دستیابی به وحدت، تعادل، زیبایی، نظم، هماهنگی، توازن، اندازه، حد، هدایت، سلسله‌مراتب، تسبیح، حساب، حق بودن، کرم، هدایت، عدم مشغولیت به بطالت و بازی و غیره و به عبارت دیگر، مؤلفه‌های «عبادت و توحید»، «حرمت و امنیت»، «حیات و زندگی»، «عمران و آبادی و پاکیزگی»، «کسب‌وکار و روزی حلال» و «تفکر، اندیشه و آزادی» و نیز اصول «سیر از کثرت به وحدت»، «سیر از ظاهر به باطن» و «رده‌بندی اهداف کمی و کیفی»؛ حکمرانی شهر، خدامحور بوده و بر اصل حاکمیت قانون الهی استوار است. در این نوع از حکمرانی، تحول ابعاد حیات کالبدی و مادی مورد توجه بوده و در آن برنامه‌ریزی مشارکتی بوده و بر کنترل فساد در آن تأکید می‌شود.

حکمرانی اسلامی که در خاستگاه مکتب، جامعه، انسان و نیز اصول متعارفه در مدیریت اسلامی دارای اصول موضوعه است، از جامعیت بی‌نظیری در ارائه معیارهای حکمرانی شایسته شهری شامل: مشارکت شهروندی، برابری، شفافیت، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادل و منصف، بینش راهبردی، پرهیز از فساد، رهبری سیاسی فراگیر و همه‌شمول، امنیت، آزادی بیان، توجه به آبادانی شهر، توجه به محیط‌زیست، وحدت و همگرایی، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کیفیت قوانین، توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، توجه به معیشت

مردم، شایستگی کارگزاران، ایجاد احساس شهروندی، مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت یکپارچه، بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، عدالت جنسیتی، انسجام اجتماعی، پایداری و غیره است.

این در حالی است که حکمرانی شایسته مورد توجه در کشور، متأثر از نگرش‌های انسان‌محوری و سرمایه‌داری است که این مسئله خود باعث تقابل و تعارض الگوهای سنت‌گرا و نوگرا در بدنه مدیریتی شهری در کشور و به تبع خلأ هویتی و درنهایت حاکمیت انگاره‌های غربی بر مباحث حکمرانی شهری در کشور شده است. انگاره‌هایی که به دلیل این‌که خارج از بدنه فرهنگ اسلامی-ایرانی کشور شکل گرفته‌اند، در عمل ابتر بوده‌اند. البته با تدقیق بر اسناد الگوی پایه پیشرفت شامل مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدبیر مشخص شد که می‌توان بسیاری از مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی شایسته شهری را از این اسناد استخراج کرد. اما به‌صورت مستقیم هیچ اشاره‌ای به حکمرانی شایسته شهری نشده است.

در این میان، سبلی از مشکلات که آن هم در اثر تأثیر از مدرنیسم غربی بر شهرهای کشور اسلامی ایران مستولی شده، انرژی، توجه، تمرکز، اتفاق‌نظر و عزم ملی بر استخراج، تدوین، تبیین، ارائه، استقرار، ارزیابی و اصلاح حکمرانی شایسته اسلامی در شهرهای کشور را از بدنه اجرایی و حتی علمی کشور گرفته است.

بنابراین، درنهایت با توجه به طرح ضرورت و اهمیت مسائل از یک‌طرف و آسیب‌ها و قابلیت‌ها از طرف دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که توجه به حکمرانی شایسته شهری اسلامی دارای مدخلیت لازم در تعمیق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است.

راهکارهای پیشنهادی در راستای تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرفت

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، بر اساس رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، الگوی پایه پیشرفت ایران اسلامی، یک سند بالادستی نسبت به همه اسناد برنامه‌ای، چشم‌انداز و سیاست‌گذاری‌های کشور؛ یعنی چشم‌اندازهای بیست‌ساله و ده‌ساله است که بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، در تعمیق آن لزوم توجه به حکمرانی شهری شایسته اسلامی مدخلیت دارد. در همین راستا، راهکارهای طرح و اجرای این مهم در تعمیق و تکمیل سند الگوی پایه پیشرفت به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- تعیین تکلیف تقابل و تعارض الگوهای سنت‌گرا و نوگرا در شهرها، به‌ویژه کلان‌شهرها در اسناد الگوی پایه پیشرفت؛
- تأکید بیش‌ازپیش بر هویت اسلامی در شهرهای کشور در اسناد الگوی پایه پیشرفت؛

- تأکید بر اهمیت پرورش انگاره اسلامی حکمرانی شایسته شهری در شهرهای کشور در اسناد الگوی پایه پیشرفت؛
- انجام پژوهش‌های عمیق، چندرشته‌ای، بین‌رشته‌ای و چندجانبه در زمینه استخراج مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی شایسته اسلامی در چارچوب تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛
- این پژوهش معیارهای حکمرانی اسلامی شایسته شهری را شامل مشارکت شهروندی، برابری، شفافیت، پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادل، تأکید بر کارایی و اثربخشی، مسئولیت‌پذیری، عدالت و انصاف، بینش راهبردی، پرهیز از فساد، رهبری سیاسی فراگیر و همه‌شمول، امنیت، آزادی بیان، توجه به آبادانی شهر، توجه به محیط‌زیست، وحدت و همگرایی، ثبات سیاسی و نبود خشونت، کیفیت قوانین، توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی، توجه به معیشت مردم، شایستگی کارگزاران، ایجاد احساس شهروندی، مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت یکپارچه، بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی، عدالت جنسیتی، انسجام اجتماعی، پایداری به‌منظور درج در الگوی پایه پیشرفت پیشنهاد می‌کند؛
- اشاره مستقیم به حکمرانی شایسته اسلامی یا حتی اختصاص قسمتی به آن و با بندهای زیرمجموعه الگوی پایه پیشرفت؛
- پرداختن به سیاست‌های کلان استقرار حکمرانی شایسته اسلامی در شهرهای کشور ایران در الگوی پایه پیشرفت.

منابع فارسی

- آقاپیروز، علی و ابوطالب خدمتی (۱۳۸۴)، *مدیریت در اسلام*، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه
- آقانظری، حسن (۱۳۹۰)، *مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.
- اجزاء شکوهی، محمد و همکاران (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران»، *ششمین کنفرانس ملی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری با تأکید بر آموزه‌های اسلامی*، مشهد.
- احمدی دیسفانی، یداله و محمدعلی آبادی (۱۳۹۰)، «کنکاشی در باب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی»، *باغ نظر*، سال هشتم، شماره ۱۹: ۳۰-۱۷.
- اختری، عباسعلی (۱۳۸۴)، *مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام*، تهران: امیرکبیر.

- اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)، *حس وحدت: سنت عرفانی در معماری ایرانی*، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: خاک.
- اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر مسائل شهرهای ایران (توسعه شهروندی و مدیریت مشارکتی)»، *پژوهش مدیریت شهری*، شماره ۲.
- افجه‌ای، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷)، *مدیریت اسلامی*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- افجه‌ای، سیدعلی اکبر (۱۳۸۰)، «رهبری و مدیریت اسلامی»، *دانش و توسعه*، شماره ۱۳.
- امیری، علی نقی (۱۳۸۶)، «رویکردهای مدیریت اسلامی: رویکرد تجربی»، *حوزه و دانشگاه*، سال سیزدهم، شماره ۵۳، ۱۴۳-۱۴۵.
- بابایی سالانقوج، احسان و همکاران (۱۳۹۳)، تبیین یک چهارچوب مفهومی برای «شهر اسلامی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، سال بیستم، شماره ۸۰، ۱۴۰-۱۰۹.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۲)، «مدیریت محلی بر پایه بنیان‌های ایرانی-اسلامی»، *مجموعه مقالات همایش ملی شهر اسلامی*، اصفهان.
- بهارستان، جلیل (۱۳۸۱)، «مطالعه تطبیقی ارزشیابی در مدیریت اسلامی و مدیریت متداول»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، سال هجدهم، شماره ۳۶.
- بهارستان، جلیل (۱۳۸۳)، «مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت رایج»، *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، سال هشتم، شماره ۳۶: ۳۷-۱.
- پاپلی‌یزدی، محمدحسین و حسین رجبی‌سناجردی (۱۳۹۱)، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، تهران: سمت.
- پرهیزکار، علی‌اکبر و غلامرضا کاظمیان (۱۳۸۴)، «رویکرد حکمرانی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلانشهری تهران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۱۶، ۴۹-۲۹.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و همکاران (۱۳۹۲)، «آسیب‌شناسی توزیع فضایی قدرت سیاسی در کلانشهر تهران با تأکید بر حکمروایی شهری»، *جغرافیا*، سال یازدهم، شماره ۳۸، ۹۳-۱۰۵.
- تقوایی، علی و رسول تاجدار (۱۳۸۸)، «درآمدی بر حکمرانی خوب شهری در رویکردی تحلیلی»، *مدیریت شهری*، شماره ۲۳، ۴۵-۵۸.
- تقوی دامغانی، سیدرضا (۱۳۷۸)، *نگرشی بر مدیریت اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- توسلی، مهدی و حسن بلخاری‌قهی (۱۳۹۲)، واکاوی مؤلفه‌های هویت دینی در شهر اسلامی، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی*، اصفهان.
- تولایی، روح‌الله (۱۳۸۶)، «الگوی برای شناخت مدیریت اسلامی»، *دوماهنامه توسعه انسانی پلیس*، سال چهارم، شماره ۱۱، ۷۱-۵۳.

جلیلی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، *حکمرانی شهری اسلامی، تبیین رابطه قدرت شهری با فضای شهری* (مناطق شهری قم)، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسن خیری، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

چاوشی، سید کاظم (۱۳۸۸)، «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی»، *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، سال یکم، شماره ۲، ۵۳-۴۳.

حاتمی‌نژاد، حسین و ابراهیم شریف‌زاده اقدم (۱۳۹۴)، «ارزیابی حکمرانی خوب در پایداری محله‌های شهری پیرانشهر»، *شهر پایدار*، سال دوم، شماره ۲، ۱۲۶-۱۰۵.

حاج‌یوسفی، علی (۱۳۹۴)، «سیر تاریخی پیدایش و تحول برنامه‌ریزی اجتماعی»، *مددکاری اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۲: ۵۹-۵۰.

حبیبی، سید محسن (۱۳۸۴)، *از شار تا شهر: تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن: تفکر و تأثر*، تهران: دانشگاه تهران.

حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۸)، «تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی»، *مطالعات مدیریت*، شماره ۱۶: ۲۰-۱.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۴)، *روش‌شناسی علوم اجتماعی*، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *ویژگی‌های شهر اسلامی*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.

دانش، جابر (۱۳۸۹)، «مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سال یکم، شماره ۱: ۳۱-۱۵.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۹۳)، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.

رحمتی، محمدحسین (۱۳۸۸)، «نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، سال یکم، شماره ۴: ۲۲۰-۱۹۷.

رشیدپور، عبدالمجید (۱۳۷۰)، *دیباچه‌ای بر مدیریت اسلامی*، قم: موسسه دین و دانش.

رودگر، محمدجواد (۱۳۸۵)، «اصول اخلاقی در مدیریت نبوی»، *حکومت اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۴۲.

سبحانی، حسن (۱۳۹۱)، *گستره اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.

ستاری ساریانقلی، حسن و حسین ذبیحی (۱۳۸۸)، «نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه تجلی زیبایی مدیریت شهری در شهر اسلامی»، *مدیریت*

بهره‌وری، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۴۶-۱۰۵.

- سجادزاده، حسن و سیده‌الهام موسوی (۱۳۹۳)، «ابعاد چیستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، شماره ۱۶، ۱۷-۵.
- سیافزاده، علیرضا و همکاران (۱۳۹۵)، «شناسایی و تبیین اصول اسلامی مدیریت شهری بر اساس آموزه‌های قرآن: اصل امنیت»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، سال چهاردهم، شماره ۱: ۲۴۸-۲۲۷.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و آمنه جامه‌بزرگی (۱۳۹۲)، «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه»، *پژوهشنامه نهج‌البلاغه*، سال یکم، شماره ۲: ۱۷-۱.
- شکرانی، رضا (۱۳۸۷)، «مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی»، *همایش آرمانشهر اسلامی*، شماره ۱.
- صفایی‌پور، مسعود و مهیار سجادیان (۱۳۹۴)، «جستاری بر تحولات و تطورات مفهوم شهر اسلامی»، *چشم‌انداز زاگرس*، سال هفتم، شماره ۲۴: ۲۰۵-۱۵۹.
- عابدی جعفری، حسن (۱۳۷۷)، «کتاب‌شناسی مدیریت در اسلام»، *مصباح*، شماره ۲۸.
- عبداله‌زاده آرانی، رحمت (۱۳۸۲)، «انگیزه‌ها و پیامدهای هجرت در اسلام»، *پیک نور-علوم انسانی*، سال یکم، شماره ۴: ۶۶-۵۸.
- عسگریان، مصطفی (۱۳۷۰)، *مدیریت اسلامی*، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- عظیمی آملی، جلال (۱۳۹۳)، *حکمرانی روستایی* (مدیریت توسعه پایدار)، تهران: سمت.
- علی‌آبادی، محمد (۱۳۸۲)، «شهر خداوند تصویری از ساختار معنایی شهر اسلامی»، *مدرس هنر*، سال یکم، شماره ۳: ۹۲-۷۳.
- فرید، یداله (۱۳۶۸)، *جغرافیا و شهرشناسی*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- قبادی، اسماعیل (۱۳۷۸)، *اصول و مبانی مدیریت اسلامی*، قم: فقه.
- مؤیدی، محمد و عبدالهادی دانش‌پور (۱۳۹۲)، «جستجوی مؤلفه‌های سازنده شهر اسلامی در قرآن کریم»، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی*، اصفهان.
- مبارک، اصغر و زیبا آذریبوند (۱۳۸۸)، «نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۶: ۲۰۸-۱۷۹.
- متقی، افشین و همکاران (۱۳۹۲)، *شهر اسلامی بستر امنیت و احساس امنیت شهروندان*، مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی، اصفهان.
- محمدنژاد، علی و همکاران (۱۳۹۴)، «تحلیل نقش حکمرانی شایسته در توسعه پایدار گردشگری (مورد پژوهی: شهر تهران)»، *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.

- مسعودی، عصمت و فرشته میرزایی (۱۳۸۸)، «بررسی تعارض از منظر مکتب اسلام و تئوری‌های مدیریت»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال سوم، شماره ۱: ۱۴۶-۱۳۳.
- مشرف جوادی، محمدحسین (۱۳۷۸)، *اصول و متون مدیریت در اسلام*، همدان: نور علم.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۴)، *مدیریت و رهبری در اسلام (امدادهای غیبی در زندگی بشر)*، تهران: انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۸)، *مدیریت و فرماندهی در اسلام*، قم: هدف.
- میرمیران، سیده‌مهدی و فاطمه الیاسی (۱۳۹۲)، «اصول شهرسازی اسلامی از نظرگاه قرآنی»، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی شهر اسلامی*، اصفهان.
- نبوی، محمدحسن (۱۳۸۰)، *مدیریت اسلامی*، قم: بوستان کتاب.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*، تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- نقی‌پور، ولی‌الله (۱۳۸۱)، *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۰)، «ریشه‌های شهر اسلامی در متون اسلامی»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۵۵، ۲۶-۱۲.
- نوبری، نازک و محمد رحیمی (۱۳۸۹)، «حکمرانی خوب شهری یک ضرورت تردیدناپذیر»، *دانش شهر*، شماره ۱۱: ۲۰-۱۱.
- نوحی، حمید (۱۳۸۸)، *تأملات در هنر و معماری*، تهران: گنج هنر.
- نیک‌نشان، شقایق و همکاران (۱۳۹۱)، «ایدئولوژی مبنایی برای عملکرد آموزش‌وپرورش: مقایسه پیامدهای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشورهای غربی»، *پژوهش‌نامه مبنایی تعلیم و تربیت*، سال دوم، شماره ۱: ۲۶-۵.
- واعظی، احمد (۱۳۸۷)، «حکمت متعالیه و تدوین فلسفه سیاسی اسلامی»، *علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۴۳: ۲۲-۹.
- وصالی، سعید و رضا امیدی (۱۳۹۳)، *سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها*، *برنامه‌ریزی و بودجه*، سال نوزدهم، شماره ۱: ۲۰۶-۱۷۹.

منابع لاتین